

بیست جفت بیشتر ندارد.

غالب دهات باین صورت درآمده و خود مالک هم از عهده بر نمی آید که آنها را اداره نماید و هیچکس هم نمی تواند برود تومانی ده شاهی یا سیمه دینار پول قرض کند و بیاید دهش را آباد کند.

پس در این صورت تصدیق می فرمائید که بایستی بهدات کمک کرد که آباد شود و آبادی دهات هم همانطور که ملاحظه می فرمائید ممکن است بایک مبلغ جزئی پیشرفت کند شاید یک دهی اگر امروز هزار تومان خرجش شود پنج هزار تومان عایدات پیدا کند و اگر این هزار تومان خرجش نشود آن پنج هزار تومان از بین برود.

پس در این صورت بعقیده بنده این یکی از قدمهائی است که میتوان گفت خیلی مؤثر در امر فلاح و زراعت است برای اینکه بایک مبلغ جزئی که کمک داده می شود یک استفاده های کلی میشود. آقای شیروانی می فرمایند خوبست این پول را دولت برای بستن سد اهواز و شادروان و غیره مصرف کند.

البته بستن سد اهواز و شادروان و غیره یکی از کارهای خوبی است که باید بشود ولی فرض فرمائید اگر این اعتبار برای بستن سد اهواز بمصرف رسیده یک قسمت خراب را آباد کرده آقا اگر اینطوری که در این لایحه نوشته شده است مصرف شود آنوقت یک قسمت بزرگ مملکتی را از خرابی جلوگیری کرده آید که پس فردا هر تکه از اینها محتاج بیک خرجی مثل بستن سد اهواز و شادروان نشود.

پس برای جلوگیری و آبادی یک قسمت از این املاکی که امروز مغروبه است و مالکین هم از عهده آبادی آنها بر نمی آیند (و همانطور که فرمودید الان دهات و رعایائی هستند که بذر ندارند بکارند در صورتی که آب وزمین هست) اگر از طرف دولت صد تومان دو بیست تومان یا صد تومان بآن ده برای بذر کمک شود ممکن است در سال آتی پنج هزار تومان فایده داشته باشد.

دیگر فرمودند که سایر دول سرمایه های کوچک را جمع آوری می کنند برای اینکه سرمایه های بزرگ تشکیل بدهند بنده گمان نمیکنم هیچکس مخالف باشد. البته کارهای بزرگ را باید با سرمایه های بزرگ کرد ولی وقتی سرمایه های بزرگ پیدا نشد آنها را چکار خواهند کرد؟

بالبطبعه مجبور هستند این سرمایه های بزرگ را بمصارف کوچک کوچک برسانند مایک سرمایه بزرگ را نمی توانیم بمصرف نرسانیم برای اینکه کوچک میشود باید همانطور کوچک کوچک جمع کرد و بکوچک تقسیم کرد و استفاده کرد و کارهای بزرگ کرد.

بعقیده بنده آن قبیل کارهایی که فرمودید هیچکدامش بر این قسمتی که دولت پیشنهاد کرده مقدم نیست و این قسمت برای اصلاح امر زراعت و فلاح و کمک بر رعایا از هر حیث عملیاتی که فرمودند گمان میکنم مقدم تر باشد.

راجع بقسمت تعدیاتی که از طرف مأمورین مالیه میشود آنها را هم البته آقای معاون وزارت مالیه جوابهائی میدهند ولی بنده معتقدم که همیشه باید نواقص را رفع کرد و ما باید سعی کنیم که هر وقت نواقصی در امر وزارتخانه می بینیم آن را رفع کنیم ولی بایستی آن نواقص را مانع داد که چون وزارت مالیه در یک قسمت یک خرابی ها و یک اشکالاتی دارد ما یک کار خوبی را هم نکنیم.

بعقیده بنده اینکار خوب را باید کرد و هر خرابی یا چیزی دیگری هم که از یک وزارتخانه دیده میشود باید ایستاد و رفع کرد والا بآن ترتیب که می فرمائید ممکن نیست و دور تسلسل پیدا می کند.

شما وقتیکه امروز فرمودید چون وزارت مالیه اینجایش خرابست جای دیگرش را هم اصلاح نمیکنیم این نمیشود زیرا ما نباید چرخهای مملکت را بخوابانیم برای اینکه در مملکت یک اشکالاتی است و بعقیده بنده این اشکالات که فرمودید وارد نیست و نباید آنها را مانع پیشرفت این قسمت قرارداد.

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

تهرانی - بنده خوش ندارم زیاد در این موضوع گفتگو شود. بنده مخالفتم در ماده اول از دو نقطه نظر است نظر اولی این است که این ماده خیلی مجمل است بجهت اینکه دو سال بیشتر نمیگذرد که مقدار حقوق تقاعد رسیده است بشصده هزار تومان و این ماده اول مطلقاً از حقوق تقاعد هفت عشر را معین میکند.

اگر ده سال بگذرد و شاید بشودش کرور هفت کرور آنوقت بقتاسب این هفت کرور پنج کرور بیاورند و بمالکین قرض بدهند جهت ندارد؟

زیرا پنج کرور را ممکن است یک بانک فلاحتی تأسیس بکنند که انتفاعش عمومی باشد نه اینکه بطور مطلق بردارند بشویند هفت عشر از حقوق تقاعدی اعم از اینکه تقاعد موجوده باشد یا تقاعدیکه بعد ضمیمه میشود آنهم همین شکل باشد این بنظر بنده غلط میآید.

و ثانیاً از نقطه نظر اینکه می نویسد (اعطا مینماید) این معنی ندارد دولت پولی را که متعلق بمستخدمین است باید معامله بکند و بجزریان بیندازد اعطا مینماید معنی ندارد (اعطا) عبارتست از یک وقتی که یک نفر شاعر شعر میخواند و با وصله میدهند

اینجا یک معامله دولت با مالکین میکند و اعطا میکند موضوع ندارد. باید دولت معامله بکند آنهم نه معامله که عنوان ربح درش باشد که یک انگشتهائی هم تویش بکنند.

پس دولت باید از هفت عشر موجودی هذالسنه که از حقوق تقاعد مانده است با مالکین بکیفیت مخصوص معامله بکند باین شکل بنده پیشنهادی هم کرده ام و تقدیم میکنم.

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

اخگر - بنده قبلاً اجازه خواسته بودم و امضاهم کردم. رئیس - ایشان قبلاً در خارج اجازه خواسته اند در تاریخ هفتم آبانماه.

دستغیب - همینطوری که آقای تهرانی فرمودند که در این قضیه خوش ندارم بیاناتی بفرمایند بنده هم خوش ندارم زیرا جوابهائی که بایستی با آقای شیروانی داده شود آقای مغیر تقریباً دارند.

مخالفت آقای طهرانی هم رایج بلفظ بود و فرمودند که لفظ اعطا را بدل کنند بمعامله و بعلاوه بنده گمان میکنم همانطور که آقای شیروانی فرمودند تنگنانهائی توی جیب بعضی نمایندگان است که بعضی ها شکایت کرده اند که چرا ما را چیزی که داده همینطور عریضی که وزارت کرده اند در جیب بعضی از نمایندگان است که میگویند ما حاضریم قرض بکنیم و ملک مان را هم بیع شرط کنیم و گرو بگذاریم تا زمانی که آباد کرد و مالیات او را هم بدهیم.

این دو فرمودند این معامله چه صورتی دارد عرض میکنم این بهترین معاملاتست برای دولت دونفع دارد یکی اینکه برای این پولی که میدهد (بنده اسمش را مال - الاجاره میگنارم نه ربح) از بابت مال - الاجاره یک چیزی عاید دولت میشود و یکی هم یک ملک بی مالیتی را که مالیات ازش نمی گرفته آباد میشود و دولت از او مالیات میگیرد پس این یک سرمایه ایست که خورد می شود و بیشتر ازش انتفاع برده میشود.

یک فرمایشات دیگری آقای شیروانی که فرمودند راجع باینکه مالیه جنس مردم را نبرد تا زراعت آباد شود. این البته یک شکایاتی است که بنده هم شاید در قسمت خودم تصدیق میکنم که مالیه یک اجاعااتی میکند و نمی گذارد درست زراعت شود.

این یک موضوع دیگری است و مربوط باین موضوع نیست.

برای اینکه ماده که در این موضوع است اینست که اگر مالکی آمد و گفت ملک من خرابست و من قدرت ندارم آباد کنم بمن قرض بدهید تا ملک خودم را آباد کنم پولی باو میدهند که ملکش را آباد

کند و زراعت کند این قضیه مربوط باین نیست که فلان مأمور رفته است و فلان انبار را چپو کرده است دیگر راجع ببستن سد اهواز فرمودند این هم یک کار خوبی است ولی خودشان تصدیق می فرمایند که این مقدم تر از بستن سد اهواز است نهایت ایشان می فرمایند که آباد کردن املاک فرع بستن سد اهواز است بنده عرض می کنم یکی از طرق آباد کردن املاک این است اگر آقایان بخوانند بنده مختصر حرف بزنم باید حرف نزنند والا مادام که میزنند مخصوصاً شمس آقای معتمد السلطنه که میگویند بس است من بیشتر حرف میزنم حتی ای حال بستن سد اهواز و غیره سد اهواز مربوط باین نیست که چهار تا ملک یا ده تا ملک آباد نشود.

کند و زراعت کند این قضیه مربوط باین نیست که فلان مأمور رفته است و فلان انبار را چپو کرده است دیگر راجع ببستن سد اهواز فرمودند این هم یک کار خوبی است ولی خودشان تصدیق می فرمایند که این مقدم تر از بستن سد اهواز است نهایت ایشان می فرمایند که آباد کردن املاک فرع بستن سد اهواز است بنده عرض می کنم یکی از طرق آباد کردن املاک این است اگر آقایان بخوانند بنده مختصر حرف بزنم باید حرف نزنند والا مادام که میزنند مخصوصاً شمس آقای معتمد السلطنه که میگویند بس است من بیشتر حرف میزنم حتی ای حال بستن سد اهواز و غیره سد اهواز مربوط باین نیست که چهار تا ملک یا ده تا ملک آباد نشود.

اگر در مملکت پول زیاد نداشت سد اهواز را هم می بستند. ما نمی ندارد بعلاوه در اینجا صحبت در سر یک شهر بخصوص یا دهات بخصوص نیست که بنده بگویم خوبست در بندر عباس اینکار را بکنند آقا بگویند خوبست در اصفهان اینکار را بکنند و بالاخره برای کلیه مملکت است یعنی هر ملکی که خراب است و صاحبش قدرت ندارد آبادش کند مالک این ملک را می آورند و پول هفت میدهند تا آبادش کند و البته این عمل هم برای ارزاق هم برای دولت و هم برای آن مالک خوبست.

رئیس - اخذ آراء نسبت به انتخاب کمیسیون ها تمام شد مقداری هم از ظهر گذشته است جلسه را ختم می کنیم. جلسه آتی روز پنجشنبه ساعت سه و نیم قبل از ظهر دستور اول همین لایحه بعد لایحه استفاده از اعضای مجلس بعد پیشنهاد جمعی از آقایان راجع بچند فقره شهریه.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تقی

منشی م شهاب

جلسه دویست و شانزدهم صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۱ آبانماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۵ ربیع - الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس نوزدهم آبان را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای حائری راده (اجاره)

حائری راده - قبل از دستور رئیس - آقای عدل (اجازه)

رئیس - آقای عدل (اجازه)

صل - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از مقام ریاست تقاضا کنم که مانع صد و هفده نظامنامه داخلی را امر بفرمایند اجرا کنند زیرا مطابق آن ماده نمایندگان نمیتوانند غیبت کنند مگر اینکه تحصیل اجازه نمایند آقای دولت آبادی چند روز است که غایب هستند و در صورت مجلس با اجازه نوشته می شود . خواستم تقاضا کنم آن ماده را اجراء نمایند

رئیس - مراجعه و اصلاح می شود . در صورت مجلس اعتراضی نیست ؟

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - البته خاطر آقایان محترم هست که در سینه گذشته طرجهائی از طرف جمعی از آقایان نمایندگان برای اصلاح قانون استخدام کشوری پیشنهاد شده و بنده اینطور استنباط کردم که مورد توجه غالب آقایان هم شده که قانون استخدامی که در دوره چهارم گذشته دارای معایبی است و باید اصلاح شود

یکسال و نیم متجاوز است که کمیسیون برای اصلاح این قانون تشکیل شده است و تا کنون نتیجه آن معلوم نشده است و راپرتی نداده اند که بشود در دستور گذاشت بعقیده بنده این قانون دارای يك مواد مضرة است که آن مصدحتی که از تشکیلات حکومتی منظور است این قانون تأمین نمیکند

در این قانون هر روز مانرا بجای لیاقت و صلاحیت اشخاص مدخلیت داده اند . در این قانون میگوید

«فلانکس اگر هشت سال در سرفلان شغل بوده است او باید باشد ولی فلان آدم عالم دانشمند فرزانه برای اینکه دوازده روز کمتر بوده است از آن مدتی که معین شده است نمی تواند باشد امروز در وزارت عدلیه بود مخصوصاً يك بدبختی ۸ سال سابقه خدمت متنات داشت و ۱۲ روزش کم بود و در حقیقت این مسئله بنده را عصبانی کرد که ناچار شدم اینجا خدمت آقایان عرض کنم .

مخصوصاً در قسمت تشکیلات قضائی که آقایان تصدیق می فرمایند نمی شود روزمران را مدخلیت داد و گفت فلان قاضی نظر باینکه در سال قضاوت کرده این شخص صلاحیت دارد و باید قضاوت کند در صورتی که ممکن است این شخص بی سواد بوده و مدتی بملط قضاوت می کرده است ولی اشخاص فاضل دانشمند فرزانه محروم هستند .

در سایر وزارت خانه ها هم همینطور

است اشخاصی هستند که میخواهند مستخدم شوند و سابقه هائی هم دارند . ولی بواسطه وضع این قانون نمی توانند داخل خدمت شوند و منتظر اصلاح این قانون هستند و در حقیقت بلا تکلیف مانده اند . نمایندگان بروند سر مشاغل دیگر یا اینکه بخدمت دولت منتظر میشوند این است که بنده تقاضا میکنم کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام زودتر راپرت خودش را حاضر کند .

يك مرتبه راپرت دادند بعد گفتند درات هم نظریاتی دارد و باید اصلاح شود . بطوریکه بنده اطلاع حاصل کرده ام نماینده دولت هم اغلب در کمیسیون حاضر میشود .

خوبست آقایان اعضاء کمیسیون در جلسات کمیسیون حاضر شده و زودتر راپرت این قانون را بدهند که عده از حالت انتظار بیرون بیایند اگر راستی راستی این تشکیلات مغرور را که بواسطه این قانون استخدام مرتد و گج مالی شده است میخواهند به همین حال نگاه دارند که معلوم شود اگر هم اساساً بناست يك اصلاحاتی بشود و طرز مسابقه و امتحان و لیاقت را منظور بدارند آنهم معلوم شود که مردم هم تکلیف خودشانرا بدانند .

رئیس - آقای عدل راجع این موضوع فرمایشی دارید ؟

میرزا یوسفخان عدل - بلی

رئیس - فرماید

عدل - بنده اولاً راجع بفرمایشات آقای یاسانی میخواستم خاطر محترمشان را تذکر بدهم که قانون استخدام يك قانون اساسی است و تجربه این در ساله هم بیاید داد است که قوانینی که در کمیسیونها به عجله میگذرد و می آید به مجلس اسباب مصلتی میشود و از نوایب بر گردد بکمیسیون و غالباً طول میکشد این است که ما خیلی وقت داریم در این قانون استخدام يك یک طوری تمام شود که در مجلس اسباب مصلتی نباشد و باین جهت نمایندگان دولت آقایان منصور السلطنه و منصور الملک هم در جلسات حاضر میشوند و با يك وقت پیش میروم و نزد يك است تمام شود امیدوارم عنقریب تمام شده بمجلس بیاید .

يك مطلبی را میخواستم عرض آقایان برسانم که آنروز هم عرض کردم از طرف وزارت مالیه با اداره نلگراف خانه راجع به نمایندگانی که سابقاً در خدمت بوده اند و بعد نماینده میشوند .

راجع بحقوق تقاعد آنها شرحی نوشته شده است و از آن نالغدی که با اداره پست و تلگراف فرستاده اند يك متحد المالی بتمام وزارتخانه ها فرستاده اند يك نسخه هم از آن بمجلس فرستاده اند از طرف مقام ریاست آن کاغذ فرستاده شد بکمیسیون قانون استخدام .

چون کمیسیون آن شرحی را که راپرت مالیه می نویسد مخالف با قانون و با حقوق مستخدمین که قبول نمایندگی می کنند مبراند این است که باین راپرتی تهیه شده و تقدیم مقام ریاست می نماید . ضمناً هم تقاضا شده است طبع و توزیع شود که اگر مقتضی دیدن در جواب راپرت مالیه نوشته شود .

بعضی از نمایندگان دستور رئیس - وارد دستور شویم ؟ جمعی از نمایندگان - بلی

امامی - بنده در دستور عرض دارم . رئیس - اجازه شما محفوظ است . فعلاً خود بنده عرض دارم . کمیسیونها اینکه در جلسه گذشته مقرر شد اعضایش انتخاب شوند آقایانیکه دارای اکثریت شده اند بعرض آقایان میرسد .

از کمیسیون قوانین مالیه ۱۰ نفر دارای اکثریت نام شده اند .

آقای ایزدی ۵ رأی

آقای حاج میرزا علی رضا پنجاه و هشت رأی

آقای میرزا یوسف خان عدل پنجاه و هفت رأی

آقای افشار ۷ رأی

آقای زاهدی ۶ رأی

آقای رضوی ۶ رأی

آقای آقا شیخ فرج الهه ۵ رأی

آقای محمدولی میرزا ۱۱ رأی

آقای مفتی ۶ رأی

دو نفر دیگر از آقایان اکثریت ندارند بنابراین کمیسیون قوانین مالیه دو نفر کسر دارد .

کمیسیون فواید عامه ۹ نفر از اعضایش دارای اکثریت نام شده اند .

آقای شیروانی ۶ رأی

آقای عصر انقلاب ۵ رأی

آقای صدرائی ۲ رأی

آقای رهنما ۱ رأی

آقای کلزونی ۵ رأی

آقای افسر ۹ رأی

آقای آقا سید ابراهیم ضیاء چهل و نه رأی .

آقای حاج حسن آقا ملک چهل و هفت رأی .

آقای کی استوان چهل و شش رأی .

آقای اسکندری ۲ رأی .

دو نفر دیگر دارای اکثریت نبوده اند باید انتخاب شوند . از ۱۲ نفر اعضاء کمیسیون داخله هفت نفر دارای اکثریت نام شده اند :

آقای اسفندیاری پنجاه و چهار رأی .

آقای یاسانی ۲ رأی

آقای انگر ۲ رأی

کار ندارد هم تکلیف و اوقات آن معلوم شود . هم قدم مهمی بطرف اصلاحات برداشته اند . رئیس - خورشید خان است و آقایان موافقت بفرمایند بعد از تقسیم پیشنهادی راجع بدستور رسیدن است . (شرح ذیل فرمودند)

بنده پیشنهاد میکنم قانون استخدام مستخدمین مجلس در درجه اول دستور گذارده شود .

شیروانی

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - اگر چه گفته شده است که بنده بالا بجه دولت مخالفت میکنم بر فرض هم اینطور باشد هدایت ندارد ولی اینطور نیست .

يك لایحه آمده است به مجلس البته عقاید مختلف در اطرافش ذکر میشود زیرا مسائل نظریست و ممکن است یکی نظر مثبت و یکی نظر منفی داشته باشد و هر بوط بالا بجه دولت نیست باز صرف این اهمیت ندارد .

اولاً میخواهم بدر خارج در این لایحه با آقای معاون وزارت مالیه و سایرین صحبت کنیم که يك صورت بهتری پیدا کنند که در مجلس کمتر صرف وقت شود .

دوم اینکه میخواهم شامل يك کار بیکه در ماده ۵۸ قانون استخدام است نشویم .

در آنجا می نویسد :

هر کس دخالت در این پول یعنی پول تقاعد بنماید جز عسارتین اموال عمومی محسوب میشود .

از این نقطه نظر و برای اینکه ۱۰ ماده قانون استخدام مستخدمین مجلس هم تمام شود مارت داشته باشیم تا جلسه آتی تبادل نظری با معاون وزارت مالیه و دیگر کمیسیون بودجه و سایر آقایان بکنیم و ماده اول لایحه استقرض را تغییر بدهیم که در جلسه آتی بنده هم یکی از موافقین لایحه دولت بشوم به این جهت این پیشنهاد را رد کردم

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - بنده اصولاً مخالفم با اینکه يك مطلبی که مانع می شود و مخصوصاً يك قضیه که تا درجه اهمیت فنی درش باشد مثل این لایحه اینطور از دستور خارجش کنیم .

آقایانیکه ذی مدخلند میامیل داشتند این قضیه بگذرد چون می دیدند خیلی مهم است خودشان را حاضر کردند و جزء دستور گذاشتند .

حالا این را از دستور خارج کنند معلوم نیست کسی به دستور وارد شود .

آقای شیروانی باید يك چیزی را در نظر بگیرند و آن این است که آقا مخالفت خودشانرا فرمودند آقایان موافقین هم

خوبست موافقت خودشان را اظهار میکنند که لااقل شور اولش را تمام کردیم . شیروانی - يك شور بیشتر ندارد .

دکتر آقایان - خیلی خوب مذاکره از تلف کردن وقت آقایان . بنده دیروز زود تر رفتم و ندانستم که مذاکره در ماده اول است

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده اصولاً با این ماده موافقم زیرا بهترین قسمی که امروز تأمین فلاح و زراعت مملکت بشود آنهم مملکتی که عایداتش منحصر بفلاح است بهترین طریق ترقی فلاحت کمک بزراعت و ملاکین است و البته همانطور که آقای مخبر در جلسه قبل توضیح دادند ممکنست يك املاک مسلوب المنفعه دارای ده هزار تومان یا پنج هزار تومان منافع بشود در اثر يك قرضه کوچک و مساعدتی که دولت با او بکند .

بعقیده بنده برخلاف رأی آقای شیروانی امروز اولین قدمیست که برای اصلاحات اقتصادی برداشته می شود و این قدم مهمتر از قسمت ثانی است که ایشان در نظر دارند زیرا املاک خراب مسلوب المنفعه در مملکت زیاد است و ممکنست بواسطه قرضه ها يك صورت جدیدی بفرودش بگیرد و آباد شود .

لکن مخالفت بنده در این ماده اول دوسه جهت است یکی اینکه این پولی که در صندوق تقاعد است و منحصر است به مستخدمین دولت و اسباب نگرانی مستخدمین شده ممکنست یعنی احتمال می دهند که باین پول مخاطراتی متوجه شود و بالاخره قسمتی از مستخدمین تفریط شود و از بین برود . و این نگرانی بموقع هم هست و حق هم دارند که يك چنین نگرانی داشته باشند .

باین جهت بنده معتمد که دولت خودش مسئول این پول باشد و خودش مسئول مستخدمین باشد یعنی از صندوق تقاعد قرض کند و طرف خود دولت باشد که این پول تقاعدی که جمع شده است دولت قرض نماید که اگر يك وقت در پول این مستخدمین در گی حاصل شد دولت مدیون این پول باشد .

مقصود اینست که در این کار هم يك خدمت و مساعدتی بمالکین شده باشد و هم پولی را که نموده باشد مثل پول قند و شکر که همیشه در راه مانده و از جریان افتاده است این مسئله يك ضرر مهمی با اقتصادیات از بین نرود

وزارت مالیه در ماده هفت پیشنهاد خودش میگوید هر گاه درخواست کنند قرض ملکی را که میخواهد وثیقه قرضه قرار بدهد . . .

آقا شیخ فرج الله - این ماده مطرح نیست .

رئیس ماده اول مطرح است بنده



بوده صحیح بوده است و به کمیسیون قوانین مالیه مربوط نبوده.

**آقای اخگر (اجازه)**

اخگر - اساساً اصل موضوع که مطرح مذاکره است این است که برای یک مدت محدودی یک پولی که احتیاجی عجالتاً بهش نیست بمصرف زارعین برسد که تهیه گاو و بذر و نان از برای خوراک خودشان بکنند تا بتوانند زندگی گداز کنند.

حاج میرزا عبدالوهاب - عده کافی نیست.

اخگر - با آقای رئیس است نه با اجناب عالی. تا میتوانند زراعت کنند که هم خودشان میتوانند زندگی کنند و هم از نتیجه زحمت خودشان میتوانند بارزاق مردم دیگر کمک نمایند.

تمام مذاکراتی که در اطراف این موضوع میشود فقط مربوط است بیک نگرانی که میگویند اگر دولت بخواهد داخل معاملات ملکی بشود اسباب زحمت مردم خواهد شد.

(در این موقع بعضی از نمایندگان از مجلس خارج و بعضی میخواستند خارج شوند)

اخگر - بنده چون می بینم آقایان میل ندارند دلائل موافقین را گوش بدهند ناچارم شروع کنم از ابتدا و جواب یکی یکی آقایان را که یادداشت کرده ام عرض کنم.

آقای شیروانی در روز اول که مخالفت کردند کار بزرگ را باید با سرمایه بزرگ کرد. بنده نمیدانم چه کاری بزرگتر از حفظ حیات مردم است در اینجا وقتی میشود برای جلوگیری از گاو مبری بایستی یک مبلغی خرج کرد.

فورا همه رای میدهند ولی برای حفظ حیات مردم (آدم) بایستی یک پولی داده شود و اینطور مخالفت میکنند آنهم مردمی که باید بشما نان بدهند.

همین رهبائی که در غار و فشافویه و سایر ولایات هستند الان بان ندارند بخورند که تا سال دیگر زنده باشند.

عدل - بانک فلاحی درست کنید.

رئیس - آقای اجازه صحبت بکنید.

چرا خودتان حفظ انتظام مجلس را نمیکوید؟

اخگر - بایستی دست بکار بزرگ زد ولی بایستی اجازه داده شود که یک سرمایه بزرگی که حالا حاصل شده است این را نصیب کنند اگر مراجع بکمیانی های دنیا که دارای سرمایه های بزرگ هستند بفرمائید ببینید که این سرمایه های بزرگ تمام جمع میشود برای اینکه یک کارهای کوچکی قسیم شود تا نتایج بزرگی حاصل شود.

مردمی که در این مملکت حق حیات دارند مردمیکه با رای میدهند و مارا وکیل

میکنند واجب نرازمه این است وسائل زندگی مردم را فراهم کنیم و یک پولی که در اینجا احتیاجی بهش نیست و یک پولی است که فقط از این پول یک صراف خانه استفاده میکنند در آنجا حبس شده و هیچ وجه من الوجوه مصرفی ندارد این پول را بطور موقت بدهید بیک اشخاصی که سرمایه ندارند و بعد هم با ضمانت ملکشان پول را بگیریید و بگذارید سرچایش.

در این جا گفته شد که دولت چطور شده است طلب طلبکاران را نمیدارد. و معامله با دولت خطرناک است. بنده عرض میکنم دولت وقتی میتواند پولی را بپردازد که در بودجه آن سال مجلس تصویب کرده باشد.

اگر یک کسی علاقه مند است (البته خود بنده هم علاقه مند) که طلب مردم وصول شود و یکی از اصول عقاید بنده است که مطالبه دولت هم با مردم باید مثل معامله مردم با همدیگر از روی عدل و انصاف باشد یعنی از هر کسی طلب دارد وصول کند و بهر کس هم بدهکار است باید بدهد.

ولی دولت مختار و مجاز نیست که هر چه میخواهد پول بدهد.

دولت مخارج یکساله را مینویسد و بفرستد بمجلس و میبرد بکمیسیون بودجه و در آنجا امان نظر میشود. اگر کسی علاقه مند است که یک کسی که یک وجهی را که از سنه ماضیه بدهکار است بپردازد بایستی جزو یکی از مواد بودجه پیشنهاد کنند و وقتی که بودجه میاید اینجا ممکن است آن موقع اظهار کنند و این مربوط باینجا نیست.

در اینجا گفته شد که من تلگراف دارم توی جیبم که یک انباری را شکسته اند و هر چه خواسته اند برده اند.

بر فرض اینکه این مسئله هم صحت داشته باشد تازه تعدی یک مأموری در یک ناحیه ناقص اصول کلی نمیشود.

بر فرض اینکه بکنفر از مردم یک کار خلاف قاعده بکنند بایستی نسبت به همه مردم سوء نظر داشته باشیم.

همینطور بکنفر از اعضاء دولت وقتی که خطا کرد پس از آنکه رسیدگی شد و معلوم شد که خطا کرده است مجازات می شود و این مربوط باین نیست که ما نسبت بیک لوایح عام المنفعه رای بدهیم و مخالفت کنیم.

بنده ملک ندارم و خیال هم ندارم که از این پول یک فرضی بکنم بجهت اینکه زارع نسبتم ولی چیزیکه هست دفاعی که بنده میکنم برای اینست که بنده از این دروازه های طهران بیرون رفته ام و دیده ام که این بدبخت ها روغن ندارند توی چراغشان بریزند و در تاریکی زندگی گداز

میکنند و یقین دارم که امسال نانهم ندارند بهورند و آقایانی که درست باور نفرموده اند ممکنست تا در امین و ساوجبلاغ و شهریار راهی نیست (میتوانند در عرض نیم ساعت با اتومبیل یک مسافرت کوچکی بفرمایند) تشریف ببرند و روزگار مردم را ببینند. و آنوقت ملاحظه کنند ببینند واجب هست که یک پولی که فعلاً بیکار است و هیچ مصرف ندارد برای تأمین حیات این مردم بهشان داده شود یا نه؟

فرمودند ما وقتی که یک پولی داشته باشیم با آن پول باید کارهای بزرگ بکنیم. از قبیل اینکه سد بسازیم.

بنده عرض میکنم این پول مال مردم است و بایستی از همان صندوق که برداشته میشود مجدداً در همان صندوق گذاشته شود اگر شما این پول را صرف بستن سد گردید آنوقت این پول را از کج بفرمایید توی صندوق و پس میدهد؟

بعلاوه هفت و مانعی ندارد که شما بعنوان اینکه میخواهید سد بسازید باینکه یک پولی برای تسهیل امر زراعت ب مردم داده شود مخالفت کنید اگر خود شما یا دیگری یک پیشنهادی برای تسهیل امر زراعت بکنند شایسته است که بنده بگویم واجب تر این است که سد بسته شود این اصل قلط است. هم کارهای خوب را باید کرد.

این یک کار خوبی است باید کرد شما هم یک کار خوب دیگری را پیشنهاد بفرمائید و مجلس را در نظر بگیرید ما هم موافقت میکنیم. بعنوان اینکه کار خوب زیاد است بایستی با هر کار خوبی مخالفت کرد.

آقای شیروانی در ضمن مذاکراتشان فرمودند حالا که یک پولی هست و بناء است قرض داده شود خوبست بمستخدمین دولت قرض داده شود خوبست بخود مستخدمین دولت قرض داده شود که قالیچه شانرا گرو میگدارند و تومانی دو عباسی منفعت میدهند ولی بنده عقیده ام برعکس اینست.

بنده متقدمم که اگر قرض باید داده شود باید بانکسی داده شود که قالیچه ندارد و هیچکس توی اوطاق راهش نمی دهند.

کازرونی - قالیچه میدهند که پول بگیرند.

اخگر - گفته میشود مستخدمینی که حقوق تقاعد بانها تعلق میگیرد از این مسئله نگران هستند و میترسند پولشان از بین برود.

بنده عرض میکنم خوبست بمواد دیگر مراجعه بفرمائید زیرا در آن مواد نوشته است که یک ملکی که سه برابر آن وجه قیمت داشته باشد باید رهن بگذارند.

این فرض محالست ولی فرض میکنیم که پولشان از بین برود تازه دارای یک ملکی خواهند بود که سه برابر قیمت دارد.

در اینجا مکرر گفته میشود مأمورین دولت تعدی میکنند و زیادتر از میزان مالیات از مردم بگیرند ولی در عین حال هم گفته میشود که دولت نمیتواند مطالب خودش را وصول کند.

بعلاوه این پول که داده میشود یک مال الاجاره ای دارد که فرضاً اگر سوخت و سوزی هم پیدا کند اضافه آن مال الاجاره جبران آن کشور احتمالی را خواهد کرد.

فرمودند که یک خانواده ای ممکنست چندین مرتبه بروند پول بگیرند یعنی یک رتبه پدر برود یک مرتبه پسر برود و یک مرتبه هم سایر اشخاص بروند بگیرند.

بنده عرض میکنم اینطور نیست برای اینکه در مقابل یک وثیقه ای پول می دهند.

گفته شد در اینجا که یک پول هائی تومانیان گرفته و خورده است این هیچ ربطی بحساب ندارد تومانیان بکنفر تاجر بوده است و اگر یک کسی به یک تجار تخانه ای وارد شده مربوط باین کار نیست.

اگر هم فرض در اینست که یک اشخاصی بروند و ملک اشخاص دیگری را پیش دولت گرو بگذارند آقایان مستحضر باشند که اداره ثبت اسناد برای همین مسئله تشکیل شده و البته دولت هم مواظبت کامل خواهد کرد که بکسی که میخواهد پول بدهد بدون جهت ندهد.

بنده از آقایان تقاضا میکنم قدری بیشتر توجه بفرمائید که یک پول بلامصرفی که در یک جائی مانده برای تأمین حیات عده ای از مردم که باید زنده باشند و کار بکنند و دولت یا بنده یا سایرین از دست رنج آن ها استفاده کنیم داده شود.

معاون وزارت مالیه - اجازه بفرمائید بنده برای توضیح یک فرضی بکنم در باب پول اعانه ارومیه و تومانیان و گیلانی ها و غیره که یک مذاکراتی شد اجمالاً اینست که بعضی آقایان میرسانم اعانه ارومیه که پیش تومانیان بوده است مسترد شده است و آنچه که باید باهالی ارومیه داده شود بین اهالی توزیع شده و از مجلسی هم که بوده وصول شد و صورت های منظم دارد و از آن بابت چیزی تفریط نشده.

یکی هم راجع باعانه گیلانی ها است آنرا هم دولت باشخاصی که داده است با قساطی که مقرر بوده مسترد شده و بعضی ها هم بدلایل اینکه استطاعت نداشته اند یک

مهلتی علاوه بر آن مدت داده شده است.

رئیس - آقایان مذاکرات را حکافی نمی دانند؟

بعضی از نمایندگان - کافیست.

بعضی گفتند - کافی نیست.

رئیس - رای دیگریم بکفایت مذاکرات در ماده اول. آقایانی که کافی میدانند قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - کافی نیست. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

معاون وزارت مالیه - برای تفریح بودجه سال ۱۳۰۱ لوابیجی تدریجاً هر کدام مربوط بوده است بیکی از وزارتخانه تقدیم شده و حالا لایحه قطعی برای تفریح بودجه کل مملکتی از بابت سنه ۱۳۰۱ تقدیم میشود.

رئیس - بکمیسیون بودجه قدیم ارجاع میشود.

معاون وزارت مالیه - لایحه ایست از بابت مستمری وراث مستخدمین متقاعدین ادارات پست و تلگراف که در سنه گذشته هم همینطور تصویب شده است و برای هذه السنه هنوز تقدیم نشده بود این لایحه هم تقدیم میشود و استدعای توجه سریع مجلس را نسبت بانجام این لایحه دارم برای اینکه وراث مستخدمین تا بحال چیزی از بابت حقوقشان دریافت نکرده اند.

رئیس - جمعی از آقایان تشریف برده اند عده برای مذاکره کافی است ولی برای رای کافی نیست جلسه را ختم میکنیم و ضمناً اعلام میکنم باینکه در سابق معمول بوده است که بعضی از آقایان در وسط جلسه یا اول جلسه یا آخر جلسه اجازه مرخصی میخواستند و اجازه مرخصی شان هم تصویب میشده است ولی از این تاریخ بعد تصویب نخواهد شد.

جلسه آتیه روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر. دستور هم همین دستور امروز.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی: م - شهاب

منشی: علی خطیبی

جلسه ۲۱۷

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲۴ آبانماه ۱۳۰۴ مطابق بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای تدین تشکیل گردید